




The University of Tehran Press

## The Interaction of Law and the Street

Samaneh Rahmatifar<sup>1</sup>  | Marzieh Pilehvar<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author; Associate Prof., Department of Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. [s.rahmatifar@gmail.com](mailto:s.rahmatifar@gmail.com)
2. Assistant Prof., Department of Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. Email: [pilehvar.ma@gmail.com](mailto:pilehvar.ma@gmail.com)

| Article Info  | Abstract   |
|---|--|
| <b>Article Type:</b><br>Research Article  | <p>The widespread digitization has, intertwined with the very fabric of human life, reduced cities to mere spaces of work and residence, and streets to mere passageways. The aim of the present study is to examine the legal nature of the street and to clarify the interaction between law and streets. The research employs a descriptive-analytical method, wherein the components of a “good street,” as conceptualized in urban studies, serve as the theoretical framework and are compared with the legal requirements of streets, derived from principles of human rights and democracy. A good street has four key characteristics: permeability, safety, legibility, and physical and functional diversity. On one hand, assuming these characteristics exist at an adequate level, a street can become a space for the creation, enforcement, and oversight of legal norms, thereby fulfilling its role as part of the public sphere and allowing the street to influence law. On the other hand, law, by enforcing the three core principles of the international human rights system—freedom, equality, and solidarity—prescribes the design and development of streets, thus shaping them in return. The result of this interaction between law and the street is the revitalization of the street/city’s political function and the restoration of public participation from the virtual space back to the visible sphere of human life.</p> |
| <b>Pages:</b> 2909-2926   |  |
| <b>Received:</b><br>2023/04/15  |  |
| <b>Received in Revised form:</b><br>2024/06/08  |  |
| <b>Accepted:</b><br>2023/11/11  |  |
| <b>Published online:</b><br>2025/12/22  |  |
| <b>Keywords:</b><br><i>democracy, human rights, security, freedom, equality, diversity.</i> |  |
| <b>How To Cite</b>  | Rahmatifar, Samaneh; Pilehvar, Marzieh (2026). The Interaction of Law and the Street. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 55 (4), 2909-2926. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300</a>  |
| <b>DOI</b>  | 10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300  |
| <b>Publisher</b>  | The University of Tehran Press.   |



## برهمکنش حقوق و خیابان

سمانه رحمتی فر<sup>۱</sup> | مرضیه پیلهور<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: [s.rahmatifar@gmail.com](mailto:s.rahmatifar@gmail.com)

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. رایانامه: [pilchvar.ma@gmail.com](mailto:pilchvar.ma@gmail.com)

| اطلاعات مقاله   | چکیده  |
|---|--|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۹۰۹-۲۹۲۶</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: امنیت، آزادی، برابری، تنوع، حقوق بشر، دموکراسی.</p> | <p>الکترونیک شدن گسترده، به دور طبیعت زیست انسانی تار دنیای مجازی تنیده، شهرها را به محل کار و سکونت و خیابان‌ها را به ممر عبور تقلیل داده است. هدف پژوهش حاضر خوانش ماهیت حقوقی خیابان یا تبیین برهمکنش حقوق و خیابان است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است؛ به این ترتیب که مؤلفه‌های خیابان خوب از منظر علوم مرتبط با شهرسازی، به‌عنوان چارچوب نظری، با بایسته‌های حقوقی خیابان که ناشی از اصول حقوق بشر و دموکراسی است، تطبیق داده می‌شود. خیابان خوب چهار ویژگی دارد: نقوذپذیری، امنیت، خوانایی و تنوع کالبدی و عملکردی. از یک طرف در فرض وجود سطح لازم و کافی این ویژگی‌ها، خیابان می‌تواند به محلی برای ایجاد، اصلاح و نظارت بر اجرای قواعد حقوقی تبدیل شود و به تعبیر دیگر نقش خود را به‌عنوان جزئی از سپهر عمومی ایفا کند و از این رهگذر خیابان بر حقوق تأثیر بگذارد. از طرف دیگر، حقوق، رعایت اصول سه‌گانه نظام حقوق بشر بین‌الملل، یعنی آزادی، برابری و همبستگی، را در ساخت و توسعه خیابان تجویز می‌کند و به این ترتیب بر آن تأثیر می‌گذارد. حاصل برهمکنش حقوق و خیابان، احیای کارکرد سیاسی خیابان/شهر و بازگرداندن مشارکت عمومی از فضای مجازی به عرصه مرئی زندگی انسان است.</p> |
| استناد  | رحمتی فر، سمانه؛ پیلهور، مرضیه (۱۴۰۴). برهمکنش حقوق و خیابان. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۴)، ۲۹۰۹-۲۹۲۶.   |
| DOI   | DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300</a>   |
| DOI   | 10.22059/JPLSQ.2024.357688.3300  |
| ناشر  | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.  |



## ۱. مقدمه

خیابان، یکی از مؤلفه‌های سازنده شهرهای مدرن و به تبع از عناصر تأثیرگذار بر زیست شهری است. مهندسی شهرسازی به طور مفصل به بایدها و نبایدهای حاکم بر خیابان می‌پردازد و اصول و اوصافی از خیابان خوب و بد به دست می‌دهد؛ قواعدی که اغلب جنبه فنی دارند؛ شاخه‌های دیگر دانش و فن نیز از منظر خود، برای مثال زیبایی هنری یا کاهش آلودگی، به این مقوله ورود کرده‌اند. چون امور شهری، به دلیل درگیری با مثلث متخصصان (مهندسان و طراحان)، مجریان (پلیس و مدیران) و شهروندان (رانندگان، عابران پیاده، کسبه و ...)، ذاتاً میان‌رشته‌ای است و علم حقوق نیز یکی از این رشته‌های درگیر محسوب می‌شود. شهر و خیابان در بین شاخه‌های علم حقوق، در زمره موضوع‌های حقوق شهری قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر بر جنبه حقوق بشری به آن تمرکز دارد.

بر خلاف پیوند میان حقوق و خیابان که پژوهشی در این خصوص یافت نشد، درباره ارتباط میان حقوق و شهر، حقوق شهری، پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام شده است. برای مثال در پژوهشی با عنوان «تبيين ارتباط «حقوق شهروندی» و «حقوق معماری و شهرسازی» با تأکید بر «نظریه حق به شهر» بر پایه نظریه حق شهر لوفر»، وضعیت نظام حقوقی ایران از منظر رعایت حقوق شهروندی بررسی شد (زارع‌اندريان و همکاران، ۱۴۰۲). نویسندگان این مقاله از زاویه دید معماری، نه حقوق، به موضوع ورود کرده و بعضی مصادیق حقوق بشر را در شهر بررسی کرده‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «حق بر شهر»، نویسندگان این مفهوم را از منظر کسانی چون لوفر و هاروی توصیف کرده و در ادامه به جست‌وجو و تحلیل آن در اسناد بین‌المللی پرداخته‌اند (کامیاراد، ۱۴۰۰)؛ در حالی که پژوهش حاضر بر تبیین ارتباط متقابل حقوق و خیابان تمرکز دارد. افزون بر این پژوهشی در خصوص حقوق موضوعه شهری نیز انجام شده است. برای مثال در مقاله «تحلیل محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران»، بعضی قوانین شهری با مؤلفه‌های حق شهر منطبق و ارزیابی شدند. نتیجه پژوهش حکایت از بالاترین سطح انطباق در قانون اساسی، پس از آن قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و کمترین سطح در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی دارد (کاظمیان و معصومی‌فر، ۱۳۹۸). نمونه دیگر کتاب شهر و حقوق شهروندی است که در آن نویسنده ضمن مفهوم‌سازی حقوق شهری و شهروندی، به جزئیات اجرایی حقوق شهری، یعنی مسائلی چون صدور پروانه ساخت‌وساز، طرح‌های شهری، جایگاه سردفتران، اموال عمومی، قیمت‌گذاری اراضی، عمومی‌سازی اموال و دادرسی شهری، می‌پردازد (کامیاراد، ۱۴۰۲). پژوهش حاضر در پی شناسایی ویژگی‌ها و اصول کلی و دغدغه‌محوری آن حقوق بشر است تا به این ترتیب بستری برای تصویب قوانین ساخته شود، هدف توصیف نظام قوانین و مقررات موضوعه نیست.

هدف اصلی پژوهش، خوانش ماهیت حقوقی خیابان یا به عبارت دیگر تأثیر و تأثر متقابل حقوق و خیابان است. اهداف فرعی عبارت‌اند از تبیین مصادیق تأثیرگذاری خیابان بر حقوق و تبیین اصول و شرط‌هایی که حقوق و به‌طور مشخص حقوق بشر برای خیابان ایجاد می‌کند. پرسش اصلی پژوهش این است که حقوق و خیابان چه تأثیراتی بر یکدیگر می‌گذارد؟ پژوهش دو پرسش فرعی دارد: خیابان چه جایگاهی در حقوق دارد؟ حقوق (به‌ویژه حقوق بشر) چه چارچوب و الزام‌هایی را برای خیابان تعیین می‌کند؟ فرضیه پژوهش این است که خیابان به‌خودی‌خود و به‌عنوان یک پدیده مدرن شهری، مستقل از شهر و دیگر مؤلفه‌هایش مانند مجتمع‌ها و بازارها، قابلیت بررسی از منظر حقوقی را دارد؛ خیابان محلی طبیعی، یعنی منطبق بر طبیعت زیست انسانی است؛ از این رو هم بر محتوا و فرایند ساخت حقوق تأثیر می‌گذارد و هم از اصول حقوقی تأثیر می‌پذیرد.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است، به این ترتیب که ابتدا خیابان از منظر علوم شهری توصیف و مؤلفه‌های خیابان خوب طبقه‌بندی می‌شود؛ سپس با قرار دادن این یافته‌ها در جایگاه چارچوب نظری پژوهش، تأثیر مؤلفه‌های خیابان بر حقوق و در نهایت تأثیر اصول حقوق بر مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خیابان تحلیل می‌شود. از حیث نحوه گردآوری اطلاعات، به سنت علم حقوق، به‌رغم اینکه در علوم شهری هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده می‌شود، روش کتابخانه‌ای است. در این پژوهش ضمن توجه به تعریف فنی خیابان، درک عرفی و استفاده غیرسواره از خیابان جایگاه مبنایی دارد. در عرف خیابان به ممرهایی گفته می‌شود که در میان آن امکان عبور سواره وجود دارد و در حاشیه آن زندگی شهری و عبور پیاده‌ها جاری است و بنا به اقتضائاتی به قالب چهارراه‌ها، بلوارها، بزرگراه‌ها، زیرگذرها، روگذرها یا فلکه‌هایی درآمده است.

## ۲. چارچوب نظری: ماهیت و مؤلفه‌های خیابان

خیابان، یکی از اجزای اصلی شهر و از عناصر سازنده تعریف آن است (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸). به این اعتبار، در کنار پارک‌ها، بزرگراه‌ها و ...، از جمله فضاهای عمومی خارجی (گلچین و مفاخری، ۱۳۹۶: ۳۰) و مکانی است که تعامل اجتماعی شهری در آن به حداکثر کمی و کیفی خود می‌رسد و ذهن شهروندان را از خاطره‌ها و ذهنیت‌های مدنی انباشته می‌سازد. خیابان‌ها دارای هویتی تاریخی، یعنی حاصل رشد و تغییر تدریجی شهر، هستند؛ از این رو ایجاد تحول ناگهانی در خیابان، به بهانه‌هایی مانند حل معضل سنگینی ترافیک یا با نگاهی هنری، با ماهیت زمان‌دار آن در تعارض است (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۳۲). چنین رویکردی خیابان را به معبر فرو می‌کاهد و آن را از سایر کارکردهای مدنی خالی می‌کند، به تبع افراد صرفاً برای رفع ضرورت در آن حضور می‌یابند نه برای داشتن زیست شهری. خیابان در فرض

داشتن همزمان چهار ویژگی امنیت، نفوذپذیری<sup>۱</sup>، خوانایی<sup>۲</sup> و تنوع کارکردی و کالبدی می‌تواند اقبال شهروندان را متوجه خود کند (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶).

## ۱.۲. نفوذپذیری

منظور از نفوذپذیری حدی از قدرت انتخاب است که محیط به مردم می‌دهد تا از طریقش از مکانی به مکان دیگر بروند (سینافر و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳). نفوذپذیری قابل تجزیه به سه مؤلفه است: تسهیل حرکت در محیط، افزایش ارتباط محیط با محدوده‌های اطراف و افزایش دعوت‌کنندگی محدوده. تسهیل حرکت ویژگی‌هایی است که آمودشد را آسان و با عرضه گزینه‌های متعدد انتخاب مسیر و فرصت‌های جابه‌جایی و دسترسی به فضاها، افراد را به ادامه حرکت درون محیط ترغیب می‌کن. از جمله شاخص‌های آن در مورد خیابان عبارت‌اند از: نداشتن نقاط کور، داشتن عرض کافی، ساختار شطرنجی و بن‌بست نبودن. افزایش/ارتباط، محیط را از حالت ایزوله و مجزا، خارج و بسترهای تعامل با بخش‌های پیرامونی را ایجاد می‌کند تا محیط در پیوند با اطراف معنا شود و شاخص‌هایی مانند محصور نبودن و تعدد ورودی و خروجی دارد.<sup>۳</sup> افزایش دعوت‌کنندگی ناظر بر عرضه کیفیت‌های مطلوب است تا تقاضای افراد برای حضور، تماشا و استفاده از محیط افزایش یابد و آنها را به تجربه مجدد قرار گرفتن در محیط ترغیب کند، مانند فعالیت بیست‌وچهار ساعته و قابلیت استفاده برای گروه‌هایی مانند کودکان، سالمندان و سایر کم‌توانان (سینافر و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳ و ۹۴).

## ۲.۲. خوانایی

خوانایی به داشتن تصویری پایدار از شهر و خیابان در ذهن منجر می‌شود (گلچین و مفاخری، ۱۳۹۶: ۳۶) و سه بعد دارد:

- بعد کالبدی: منظور امکان شناخت آسان اجزای شهر و مرتبط ساختن آنها در قالب یک کلیت به هم‌پیوسته در ذهن فرد است. به تعبیر دیگر اینکه مردم به‌آسانی بتوانند تشخیص دهند کجا هستند، چیدمان فضایی شهر/خیابان چگونه است و برای دسترسی به مکان‌ها و خدمات مورد نیازشان کجا باید بروند؛
- بعد عملکردی: به کارکرد خیابان و نشانه‌ها و عناصر آن در زندگی روزمره اشاره دارد؛ برای مثال

1. Permeability

2. Legibility

۳. چنین ویژگی‌هایی که در دسترس بودن فضاهای عمومی را تضمین می‌کند، در قالب حق خلق فضاهای شهری نیز صورت‌بندی می‌شود (کامیار، ۱۴۰۲: ۲۷).

خانه‌های نوساز و رهاشده، نشانه خیابانی است که به واسطه ارزان بودن قیمت ملک، محلی برای انواع فساد شده است؛ درحالی که نورهای رنگارنگ و موسیقی شاد، نماد جذابیت و سرزندگی یک خیابان هستند؛

- بعد معنایی-حسی: ناظر بر لزوم لذت‌بخش بودن عناصری که در نهایت به شناخت و ادراک از فضای شهری منجر می‌شود. برای مثال به واسطه بحران آب در بسیاری از شهرهای ایران، از جمله شیراز، اصفهان، قم و اراک، از رودخانه‌های سابقاً پرآب که عامل جریان حس زندگی در شهر بود، مسیری خشک بر جای مانده است؛ تا جایی که بعضاً شهروندان از اصطلاح منفی رودخانه خشک برای اشاره به یک عنصر شهری استفاده می‌کنند.

خوانایی نقش مؤثری در بهبود و غنای تجربه و ادراک فرد و ارتقای سطح کیفی تعامل فرد با محیط شهری بر عهده دارد و فرد را قادر به بهره‌گیری از تمام رمز و رازها و نشانه‌های موجود در محیط شهری می‌سازد تا تمام پیام‌های موجود را دریافت کند، محیط پیرامون خود را به خوبی ادراک کند و بشناسد و از ادراک جامع و شناخت دقیق و همه‌جانبه احساس امنیت و آرامش یابد (استادغفاری، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۲). این مؤلفه محیط شهری را مطلوب فرد و مهیای انجام فعالیت انسانی می‌کند و نشانه‌ها را نه ابزاری برای اعمال قدرت دولت یا تبلیغات، بلکه به وسیله‌ای در خدمت ایجاد درک بصری-ذهنی از شهر نزد شهروندان تبدیل می‌سازد. داشتن ساختار شطرنجی یا دایره‌ای (گلچین و مفاخری، ۱۳۹۶: ۳۶)، تابلوهای نشانگر، هماهنگی عناصر شهری با اقلیم جغرافیایی و پیشینه تاریخی و نیز هویت داشتن شهر یا خیابان به مثابه یک کل واحد از جمله عواملی است که محیط را شایسته صفت خوانا می‌کند.

### ۲.۳. امنیت

امنیت، به معنای آرامش خاطر، یکی از ویژگی‌های مهم شهر و اجزای آن، به‌ویژه خیابان و نیز کوچه‌ها و پیاده‌راه‌هاست. مواردی مانند عدم پارک حاشیه‌ای خودرو، نورپردازی مناسب، حذف موانع مخل دید، سرعت مناسب داشتن خودروها، تفکیک مسیر سواره از پیاده، بارز بودن تقاطع‌ها، حذف اختلاف سطح‌ها، حذف کنج‌های مخفی، اختصاص نداشتن خیابان به کاربری‌های زمان‌دار (مثل کاربری اداری)، وجود تعداد کافی واحد مسکونی، عدم ورود خودرو و موتورسیکلت به پیاده‌راه، ایمنی انواع ممرها (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۵۰، ۱۷۶، ۲۸۹) از جمله شاخص‌های تضمین است.

### ۲.۴. تنوع کالبدی و عملکردی

کالبد، مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی است که درکی چندوجهی یا سیمایی کلی از شهر یا خیابان می‌سازد؛ شاخص‌هایی مانند بافت، تناسب، نشانه و گره که هر کدام تعاریف دقیقی در علوم مهندسی شهری دارد.

تنوع کالبدی و عملکردی، به معنای قابلیت استفاده از یک فضای شهری برای گستره وسیعی از اهداف (مانند امور آموزشی، تجاری، اداری، مسکونی، درمانی، قدم‌زنی، تفریح و سرگرمی) توسط گروهی از کاربران است (چرخچیان، ۱۳۹۶: ۶۴). یکی از نتایج برخورداری از تنوع کالبدی، بی‌زمان شدن و قابلیت استفاده/مراجعه شبانه‌روزی افراد به فضای شهری است. برای مثال اگر خیابانی به بورس فلزات و سنگ‌های گرانبها و ارز خارجی تبدیل شود، در ساعات پایانی روز و روزهای تعطیل، مورد اقبال شهروندان نیست. بر عکس اگر خیابانی به محل بازی و سرگرمی اختصاص یابد، فعالیتش به زمان‌های تعطیل و آب‌وهوای مطلوب محدود می‌شود. یکی از مسائل پیش روی شهرسازی، حفظ توأمان انسجام و تنوع کالبدی و جلوگیری از توسعه ناهماهنگ و بی‌هنجار است (خدابین و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴).

### ۳. تأثیر خیابان بر حقوق

خیابان محل دیدن و دیده شدن، نه به معنای با افراد مشخص دیدار تازه کردن که به معنای در ملاءعام/مرئی عموم قرار گرفتن، است. سپهر عمومی، حیطة مشترک زندگی انسان است و با واژگانی مانند آزادی، افتخار و جاودانگی توصیف می‌شود؛ صفت‌هایی که جز از طریق دیده شدن در ملاءعام معنا نمی‌یابند (رحمتی فر ۱۳۹۹: ۲۳۱). خیابان محل شکل‌گیری و عینی شدن سپهر عمومی است، چراکه لازمه وجود سپهر عمومی، ایجاد فضایی برای گفت‌وگو در خصوص جهان مشترک است. تعاملاتی که در کف خیابان شکل می‌گیرد، نهادهای عالی‌تر سپهر عمومی، مانند احزاب و مطبوعات آزاد را متأثر و حتی بدوآ زمینه ایجاد آنها را فراهم می‌کند. سپهر عمومی در ادامه از خلال تعامل نهادهای خود، سیاست اصیل را می‌سازد و سیاست در ادامه به قانون، عالی‌ترین قالب قاعده حقوقی، تبدیل می‌شود. از این منظر مناسبت میان حقوق و خیابان، در سه مرحله اصلاح، ایجاد و اجرای قاعده حقوقی، قابل بررسی می‌شود.

#### ۱.۳. اصلاح قواعد حقوقی

اصلاح قواعد حقوقی یا مشارکت پیش از تصمیم‌گیری، یکی از جلوه‌های مشارکت افراد در امور عمومی است. این سطح از مشارکت در وضعیت عادی با مشاوره‌های آنلاین، جلسه‌های عمومی، نشست‌ها، کمیته‌ها و کارگروه‌ها با حضور نمایندگان ذی‌نفعان و نمایندگان دولت یا تصمیم‌گیران شهری انجام می‌شود (UNOHCHR, 2018: 64). منتها این روش‌ها در جایی که به هر دلیل، مثلاً حاشیه‌ای بودن گروه ذی‌نفع، تصمیم‌گیرندگان آگاهانه یا ناآگاهانه صدای ذی‌نفعان را نمی‌شنوند، کار نمی‌کند و نوبت به کنش خیابانی می‌رسد.

اصلاح قواعد، از طریق خیابان با دو روش نافرمانی مدنی و برگزاری تجمعات ممکن می‌شود. منظور از

نافرمانی مدنی، نقض علنی قواعد حقوقی و تحمل تبعات نقض آن به منظور نشان دادن و برجسته ساختن بی‌اعتباری آن نزد تابعان حقوق/شهروندان است. به این ترتیب که برای مثال اگر فردی به قوانین پوشش معترض است، عامدانه، در پوشش ممنوع در ملاءعام ظاهر می‌شود و حتی تلاش می‌کند توجه ضابطان را به خود جلب نماید؛ چون تعقیب و گریز با ضابطین خود جلوه‌ای از ناعادلانه بودن نظم موجود حقوقی است. نافرمانی مدنی به تبع خود اگر گروهی باشد، به هدف، یعنی جلب توجه شهروندان و تصمیم‌گیرندگان، نزدیک‌تر می‌شود. منظور از برگزاری تجمع، حضور گروهی افراد معترض به یک قاعده حقوقی در محل واحد و رساندن صدای خود، از طریق سکوت، شعار، پیام تصویری و ...، به جامعه و اشخاص مؤثر است که در قالب انواعی از رفتار جمعی، از جمله تظاهرات، اعتراضات، برگزاری گردهمایی، راهپیمایی، تجمع، تحصن، به راه انداختن کارناوال، ازدحام ناگهانی<sup>۱</sup> و شمع روشن کردن بروز می‌یابد (HRC, 2020: 6).

مؤلفه نفوذپذیری چون خیابان را از حیث دسترسی به خود و بیرون از خود، مطلوب می‌سازد، برای تجمع‌کنندگان و نافرمانان در برابر مواجهه با پلیس احساس امنیت خاطر ایجاد می‌کند. این در فرضی است که پلیس به برخورد غیرخشن با شهروندان پایبند باشد و حق آنان برای اعتراض به رسمیت بشناسد. در غیر این صورت تجمعات نیز به جلوه‌ای از نافرمانی مدنی تبدیل می‌شوند. کسری نفوذپذیری خیابان را به‌ویژه برای نافرمانی مدنی نامساعد می‌سازد. مثل اعلای توضیح این موضوع چهارراه ولیعصر تهران است؛ مکانی که تا پیش از ایجاد زیرگذر برای پیاده‌ها، گزینه مطلوب تجمع و نافرمانی بود، ولی پس از آن به‌واسطه از میان رفتن نفوذپذیری کارکرد مدنی-سیاسی خود را از دست داد و به محلی برای عبور تقلیل یافت.

### ۲.۳. ایجاد قواعد حقوقی

ایجاد قاعده حقوقی از طریق خیابان مستلزم به رسمیت شناخته شدن مشارکت در تصمیم‌گیری، به معنای قطعی نشدن تصمیم‌ها پیش از جلب مشارکت همگانی، است و از طریق روش‌هایی مانند در دسترس عموم قرار دادن پیش‌نویس مصوبه‌ها، در نظر گرفتن زمان کافی برای ارائه نظرها و وجود زیرساخت‌هایی برای ارسال نظرها، انجام می‌شود (UNOHCHR, 2018: 70). برجسته‌ترین کارکرد خیابان در ایجاد قواعد حقوقی، ایجاد بسترهایی برای گفت‌وگوست. وجود مکان‌هایی با قابلیت گرد آمدن افراد پرشمار، ایجاد فضاهایی میدان‌گونه، ایمن‌سازی خیابان برای تجمعات، هدایت خودروها و پارکینگ‌ها به زیر شهرها و آماده‌سازی خیابان برای همه افراد حتی کم‌توانان، از جمله اقداماتی است که خیابان را مهبیای گفت‌وگوی عمومی می‌سازد. طبعاً در بحث از مشارکت در ایجاد قواعد، علاوه بر حضور شهروندان

۱. flash mob منظور حضور هماهنگ، هدفمند و برق‌آسای گروهی از افراد در محلی و انجام حرکات غیرمنتظره (مانند رقصیدن، آلبازی، پوشیدن لباس‌های عجیب، پرفرنس کردن و آواز خواندن) است.

ذی‌نفع، حضور نماینده‌ی اداره‌ی تصمیم‌گیرنده نیز مهم است. از این‌رو محوطه مقابل اداره‌ها اهمیت مضاعف می‌یابد. نمونه‌ی این فضاها در شهرهای کهن ایران، میدان نقش جهان در اصفهان، میدان گنجعلی خان کرمان، سبزه‌میدان در تهران و قزوین است. برای نمونه می‌توان به آگورا در شهرهای یونان باستان اشاره کرد. وجه مشترک این فضاهای تاریخی، حضور توأمان دولت و جریان زندگی روزمره مردم در آنهاست.

در سال‌های اخیر به‌واسطه‌ی اهمیت یافتن اینترنت و سرعت در زندگی انسانی، کارکرد خیابان در ایجاد قاعده حقوقی به فضای مجازی سپرده شده است. بسترهای آنلاین در عین حال که امکان مشارکت عمومی را فراهم کرده و حتی آن را همگانی کرده‌اند، به دلیل نداشتن جلوه بصری، عملاً به حذف دموکراسی و مناسبات سیاسی از ملاءعام منجر شده‌اند. کنش سیاسی اصیل حول گفت‌وگو می‌چرخد (Arendt, 1998: 53). چراکه در فضای مجازی وقتی فرد انسانی دیدگاه خود را جمع به یک پیش‌نویس را به ثبت می‌رساند، این دیدگاه برخاسته از نظر فردی اوست و حاصل تعامل با دیگر انسان‌ها محسوب نمی‌شود؛ فرد وارد رابطه‌ی دوسویه با دولت می‌شود، بدون اینکه فرصت داشته باشد مقدماً با دیگر انسان‌ها درباره‌ی امر مربوط به جهان مشترک گفت‌وگو کند. از دل چنین مناسبتی، سیاست اصیل بیرون نمی‌آید؛ در بهترین حالت مقام اداری/شهری تصمیم خود را با لحاظ دیدگاه‌های پراکنده واصل شده اتخاذ می‌کند؛ یعنی نظر شهروندان نه کارکرد ایجاد می‌کند که کارکرد مشورتی دارد. این وضعیت بهره‌گیری از خیابان برای گفت‌وگو را ضروری‌تر می‌سازد. به عبارت دیگر خلاصه‌سازی فرایندهای مشارکتی به پلتفرم‌های آنلاین، انسان را غیرسیاسی و شهر را عاری از کارکرد حقوقی می‌سازد و به‌خودی‌خود ساختاری ضد دموکراسی است.

سه عامل به شکل‌گیری گفت‌وگو در خیابان کمک می‌کند؛ مهم‌ترین ویژگی مورد اقبال عموم قرار داشتن است؛ هرچه تعداد افراد حاضر در یک محیط بیشتر باشد، احتمال ایجاد تعامل بالاتر می‌رود (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷)؛ تجربه‌ی زیسته حاکمی از اقبال مردم یک شهر به خیابان‌های مختلف برای امور متفاوت است؛ از این‌رو است که خوراک‌فروشی‌ها در جایی متمرکز می‌شوند، مراکز خرید در جایی دیگر و خیابانی به محل مطلوب پیاده‌روی تبدیل می‌شود (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۸۲). به همین ترتیب خیابان می‌تواند برای برقراری تعامل اجتماعی استفاده شود. دوم افزایش فضاهای باز عمومی متناسب، مانند آب‌نماها، یادمان‌های خیابانی (برای مثال اختصاص یک دیوار به نام فعالان مدنی یک شهر)، فضاهای سبز در بطن خیابان (مانند چهارباغ اصفهان)، ایستگاه‌ها، چشم‌اندازها و محوطه مقابل فضاهای بسته عمومی به قصد تبدیل کردن آن به جزء لاینفک خیابان (مانند محوطه مقابل تئاتر شهر در تهران) و سوم میلمان شهری مناسب، مانند وجود سایه‌بان، طاق و رواق یا میز و صندلی به شکل و در جای خلاقانه است تا افراد را به‌جای بهره‌برداری فردی به گفت‌وگو دعوت کند. حذف دولت ملموس (برای مثال وجود نداشتن یا در معرض دید نبودن قرارگاه‌ها و کیوسک‌های پلیس و استفاده از ابزار ناملموس به‌جای نیروی انسانی برای کنترل ترافیک) از منظر خیابان می‌تواند در تقویت امنیت و قابلیت

گفت‌وگو مؤثر باشد. اولویت نداشتن خیابان به محلی برای انجام و ارائه انواع تبلیغ نیز به پراکنده نشدن حواس از کارکرد تعاملی کمک می‌کند.

شایان اشاره است که گفت‌وگوهای خیابانی الزاماً معطوف به عمل سیاسی نیست و می‌تواند به قصد انجام معامله، تبادل اطلاعات، شایعه‌ها و اخبار زرد یا اتلاف وقت باشد؛ مهم این است که در بزنگاه‌ها، به‌طور کاملاً طبیعی، خیابان ظرفیت تبدیل شدن به بستر کنش سیاسی و تأثیرگذاری بر حقوق را داشته باشند.

### ۳.۳. تضمین اجرای قواعد حقوقی: تحکیم دموکراسی

عوامل متعددی چون تحولات تاریخی، الگوی حکمرانی، سنت‌های فرهنگی، سبک‌های زندگی، تعاملات میان بازار و نیروهای سیاسی بر هویت خیابان تأثیر می‌گذارد (اشرفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳۷). از این میان الگوی حکمرانی با علم حقوق ارتباط بیشتری دارد.

پیرو انتقادهایی که به دموکراسی‌های اکثریتی غیرمستقیم، از حیث دموکراتیک نبودن، وارد می‌شود، مفهوم دموکراسی مشارکتی شکل گرفته است که با تفاوت‌هایی در جزئیات گیدنز از آن به دموکراتیک‌سازی دموکراسی و هابرماس به دموکراسی گفت‌وگویی یاد می‌کنند. منظور از دموکراسی مشارکتی، تسری مشارکت همگانی از انتخابات ادواری نمایندگان سیاسی، به بطن زندگی عمومی است. خطری که کماکان معناداری مشارکت همگانی و به تبع دموکراسی را تهدید می‌کند، حذف شهروندان از مرحله اجرای قواعد حقوقی است. یکی از مراکز اصلی جریان زندگی عمومی و یکی از فرصت‌های عینی‌سازی نظارت بر مرحله اجرا، شهر و خیابان است.

دموکراسی مشارکتی مستلزم حضور شهروندان در فرایندهای مدیریت شهری، از جمله از طریق پاسخگو کردن مقام‌های محلی در مورد اقدام‌هایشان، ارائه ارزیابی از عملکرد آنها (United Cities and Local Governments Committee on Social Inclusion, 2011: II) و تأثیرگذاری ارزیابی بر موقعیت شغلی مقام‌های رسمی، است. شهر دموکراتیک بر اصول شفافیت و پاسخگویی مبتنی است و در آن حق دسترسی به اطلاعات محلی رعایت می‌شود و شهروندان به اسناد شهرداری دسترسی دارند (Montréal city council, 2005: 16)، مقامات در مورد بازخوردهایی که از مشارکت عمومی در فرایند ایجاد قواعد حقوقی گرفته‌اند، چرایی اتخاذ تصمیم‌های خود و علل حذف بخشی از خواسته‌های عمومی توضیح می‌دهند و جهت تضمین اصل مسئولیت‌پذیری، اطلاعاتی با جزئیات کافی، به‌منظور پیگیری اداری و قضایی در اختیار شهروندان قرار می‌دهند (UNOHCHR, 2018: 79). می‌توان گفت اگر مشارکت عمومی در دو مرحله اصلاح و ایجاد قواعد حقوقی چیزی از جنس تمرین دموکراسی باشد، مشارکت عمومی در مرحله اجرای قواعد، تحقق دموکراسی است و آن را از فرم به ماهیت حکمرانی می‌کشد.

بستر این مرحله، تسهیل فعالیت نهادهای مدنی توأم با دموکراتیک/مشارکتی‌سازی خیابان است. چون دموکراسی مبتنی بر انجمن‌ها رویکرد نخبگانی دارد و به‌نوبه خود سطحی از نمایندگی را بازتاب می‌دهد. خیابان جایی است که شهروندان بدون واسطه و نماینده در آن حضور دارند. به‌منظور تحقق تأثیرگذاری خیابان بر حقوق در فرایند اجرا، راهکارهایی قابل ارائه است: ارائه و دسترسی به اطلاعات مربوط به شهر، به‌ویژه اطلاعات مالی، از طریق خیابان؛ تسهیل و ترویج حضور گروه‌های حاشیه‌ای شهری (مانند زاغه‌نشینان و گدایان<sup>۱</sup>) در گفت‌وگوهای خیابانی و در گام بعد در نهادهای نمایندگی شهری؛ تسهیل و ترویج گفت‌وگوی خیابانی دربارهٔ تصمیم‌های محلی، به‌ویژه در امور بودجه شهری؛ تشویق نهادهای مدنی به برگزاری نشست‌های عمومی در خیابان به‌جای محافل در بسته (United Cities and Local Governments Committee on Social Inclusion, 2011: II) و برگزاری جلسه‌هایی شبیه کنفرانس‌های خبری در خیابان توسط مقام‌های رسمی با حضور عموم.

#### ۴. تأثیر حقوق بر خیابان

در مورد ملزومات و الزامات زیستی خیابان بحث شده است؛ موارد فنی مانند حداقل و حداکثر عرض و جنس کف‌پوش و .... شاخص‌هایی مانند نظم بصری، کاربری مختلط، امکان نظارت و مراقبت، امکان اختلاط اجتماعی، دسترسی، سهولت ارتباط سرزندگی، به‌گوش رسیدن آوای گذشته، توجه به پیوندهای بومی منطقه، حفظ تسلسل حرکت، ملموس بودن پرسپکتیو، امنیت، انسجام و داشتن هویت (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۸۳). از آنجا که فضای خیابان، محلی برای زندگی غیرخصوصی انسان است، انطباق آن بر اصول حقوق بشر نیز ضروری است. اصولی که با لحاظ آنها می‌توان به شاخص‌های فنی جدید رسید. جایگاه مؤلفه‌های محلی-شهری جهت تضمین و ترویج حقوق بشر به‌حدی خطیر است که به آن مرزهای جدید حقوق بشر گفته می‌شود؛ منظور از اصطلاح اخیر تمرکز فزاینده حقوق بشر بر امور و مقامات شهری به قصد از یک سو تضمین حقوق بشر و از سوی دیگر رفع انتقادهایی است که از حیث کارایی و مشروعیت به نظام حقوق بشر بین‌الملل وارد می‌شود (Oomen, Baumgärtel, 2018: 629-630)؛ یعنی حقوق بشر با وارد شدن به سطح محلی/شهری، از اتهام در بر گرفتن هنجارهای رؤیایی و تحقق‌نیافتنی مبرا و در متن زندگی انسان جاری می‌شود.

در دهه‌های اخیر جنبش‌هایی برای ایجاد حق شهر، با سویه پاسداری از زیست شهری یا مبارزه با

۱. این دیدگاه وجود گروه‌های حاشیه‌ای را به رسمیت می‌شناسد و از این‌رو با نگاهی که از لزوم جمع‌آوری آنان دفاع می‌کند، برای مثال بند ۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی، تفاوت دارد.

مظاهر سرمایه‌داری در شهرهای بزرگ مانند لندن و سیاتل شکل گرفته است.<sup>۱</sup> فصل مشترک این جنبش‌ها تلاش برای تبدیل کردن شهر و به تبع خیابان به موضوعی حقوق بشری است؛ موضوعی که در میان مصادیق حقوق بشر در نسل سوم می‌گنجد و تحقق آن نیازمند همکاری در سطوح فروملی، ملی و بین‌المللی بازیگران دولتی و غیردولتی است (کامیاراد و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷۸). حق شهر تعریف شهر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد: «شهر قلمرو و فضای زندگی است که در آن ارزش‌های شرافت انسانی، بردباری، صلح، فراگیری و برابری میان شهروندان باید ترویج شود» (Montréal city council, 2005: 1). به همین ترتیب خیابان را می‌توان به معبری درون‌شهری تعریف کرد که زمینه همکاری برابانه شهروندان برای آزادانه زیستن را فراهم می‌کند. هرچه خانه‌ها کوچک‌تر و محدودتر و فشرده‌تر شوند، به عبارت دیگر هرچه جمعیت شهر افزایش یابد، نیاز به عرصه‌های باز و فضاهای جمعی و همگانی، از جمله خیابان، جهت تضمین حقوق بشر، بیشتر می‌شود (کوکبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

از تجربه جنبش حق شهر برای پژوهش حاضر، نپذیرفتن و طبیعی تلقی نکردن تضاد، نابسامانی و آشفتگی خیابان، به دست می‌آید. با این توضیح که اگرچه خیابان به خودی خود یک پدیده طبیعی زیست‌شهری انسان است و نیروی محرکه‌ای پشت ایجاد اولی آن وجود نداشته است، ولی روند توسعه و تحول آتی آن نباید از حیث حقوقی به حال خود و بی‌قاعده رها شود تا اصول حقوق بشر، شامل برابری، آزادی و همبستگی نقض نگردد.

#### ۱.۴. تضمین برابری

برابری از منظر حقوق بشر، رعایت همه‌جانبه اصل عدم تبعیض در نظام حقوقی و نیز مبارزه با نابرابری‌های عرفی-فرهنگی از طریق نظام حقوقی است. به این معنا که از یک طرف قواعد حقوقی نباید در ماهیت و اجرا تبعیض‌آمیز باشند و به افراد و گروه‌هایی امتیازهای ناروا اعطا کنند و از طرف دیگر قواعد باید تبعیض‌هایی را که علیه افراد و گروه‌ها توسط جوامع ملی یا محلی اعمال می‌شود، با سازوکارهای تبعیض مثبت یا با روش‌های قهری و غیر آن خنثی کنند.

همین وظایف در مدیریت خیابان نیز برقرار است؛ به این صورت که اولاً موانعی که بر راه حضور برخی افراد و گروه‌ها وجود دارد، مانند غیرقابل استفاده بودن مبلمان شهری برای معلولان، خطرناک

۱. حق شهر (Right to the city) از منظر اجتماعی، هسته مرکزی جنبش‌هایی است که از سال ۱۹۶۸ برای مبارزه با کالایی شدن با فضای شهر، ایده هانری لوفور، شکل گرفت و نهایتاً به اصلاحات قانون در بعضی کشورها انجامید (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۰ و ۱۱)؛ از منظر حقوق بشری، حق شهر در کنار حق‌هایی مانند توسعه و محیط زیست، در زمره مصادیق نسل نامتعیین سوم حقوق بشر می‌نشیند.

بودن آلودگی هوا برای سالخوردگان و حاملگان و ناامنی برای زنان<sup>۱</sup>، برطرف شود<sup>۲</sup> و ثانیاً اگر حضور افراد به‌ویژه گروه‌های اقلیت مانند زنان و اقلیت‌های جنسی و دینی در خیابان‌هایی قبح فرهنگی دارد، با آن مقابله شود تا درهای مرئی و نامرئی خیابان‌ها از میان برداشته شود. انجام این اصلاحات از طریق داشتن یک برنامه ممکن می‌شود؛ برنامه‌ای که به نوبه خود از خلال مشارکت عمومی با حضور گروه ذی‌نفع در خیابان ایجاد شده باشد و البته توأم با حضور برابره آنان در پست‌های تصمیم‌گیری رسمی باشد (United Cities and Local Governments Committee on Social Inclusion, 2011: IV).

روش رایج برای تحدید دسترسی برابر به خیابان ناامن‌سازی آن با حمله فیزیکی، هتک حرمت، قلدری، فحاشی و حتی امنیتی‌سازی است. مثال مورد اخیر استفاده از نیروی مسلح برای وادار کردن زنان به عدم حضور در خیابان پس از غروب خورشید به نام تأمین امنیت خود آنان است. در علم شهرسازی این مقوله با اصطلاح فضاهای منفی تبیین می‌شود. منظور مکان‌ها و خیابان‌هایی است که رفتارهای غیرانسانی مانند انواع پست‌انگاری در آن اعمال و تجربه می‌شود. این مقوله از جرم‌خیزی متفاوت است و اشاره به رفتارهایی دارد که الزاماً جرم‌انگاری نشده‌اند؛ مانند قلدری علیه اقلیت‌های نژادی یا قومی یا مهاجران یا اختصاص یافتن خیابان به محلی برای ارتکاب اعمالی ناخوشایند مانند خرده‌فروشی سیگار و تنباکو. از منظر شهرسازی این موارد در بی‌اقبالی شهروندان نسبت به آن خیابان تأثیر مستقیم دارد (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۹۰) و از منظر حقوقی، مغایر اصل برابری است؛ چون عملاً بعضی افراد به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر را از دسترسی به بخشی از شهر محروم می‌سازد.

شایان توجه است که یکی از مقوله‌هایی که احساس برابری انسانی (و تا حدی آزادی) در خیابان را مخدوش می‌کند، اولویت/تقدم/برتری داشتن سواره به پیاده و تقلیل خیابان از محملی برای زندگی انسانی به محل عبور اتومبیل و رسیدن از جایی به جای دیگر در کمترین زمان ممکن است. از آزادی آمدوشد، موضوع ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، می‌توان حق پیاده راه رفتن را به‌عنوان یک موضوع حقوق بشری شناسایی کرد؛ محتوای این حق امکان پیاده‌روی ایمن و آزاد در خیابان و درجه دوم نشدن پیاده نسبت به سواره است. به این ترتیب مؤلفه‌های خیابان، به‌ویژه دو مؤلفه امنیت و نفوذپذیری (در مورد سواره‌ها) تاجایی از منظر حقوقی قابل پذیرش است که با برابری در دسترسی به خیابان تعارض نداشته باشد. احساس امنیت بیش از دیگر ویژگی‌های مهندسی خیابان خوب، در مراوده‌های اجتماعی مهم است. برای تأمین این مقوله، در علوم مرتبط با شهرسازی مسائلی از جنس و کیفیت کفپوش

۱. این مقوله به‌علاوه با حق دسترسی و برخورداری برابر از امکانات شهری مرتبط است.

۲. طبیعتاً در این موضوع‌ها توجه به جزئیات، مانند ابعاد کفپوش خیابان و جنس مواد بندکشی، ضروری و راهگشاست (ر.ک: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۹۹).

پیاپیاده‌راه تا منع تعرض کارگاه‌های حاشیه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۳۵)؛ از منظر حقوقی، هدف نهایی این است که امنیت محیطی، از ایمنی تن فراتر رود و حس برابری در ذهن انسان تولید کند؛ پس نفوذپذیری و امنیت معطوف به برابری، ویژگی خیابان خوب از منظر حقوقی می‌شود.

#### ۲.۴. تضمین آزادی

آزادی موردنظر نظام حقوق بشر بین‌الملل، به معنای امکان اعمال دلبخواهانه اراده است که در بحث حاضر به دسترسی نامحدود به خیابان تبدیل می‌شود. خیابان در ذات خود وفق آزادی است؛ کافی است با اقدام‌های مثبت مدیران تغییر ماهیت ندهد. ایجاد محدودیت زمانی (رسمی یا غیررسمی) برای خیابان‌ها که در شدیدترین حال به اعلان حکومت نظامی تبدیل می‌شود، وجود محدودیت/پروتکل برای پوشش افراد هنگام حضور در خیابان، لزوم اخذ مجوز برای انواعی از فعالیت خیابانی مانند تجمع، حضور چشمگیر و محسوس نیروها و ابزارهای امنیتی، از جمله مواردی است که اصل آزادی در خیابان را تحدید می‌کند یا متصور است که دولت ملی یا محلی برگزاری تجمع در خیابان، به‌ویژه خیابان به معنای اخص واژه، را به نام نظم عمومی و آزادی آمد و شد دیگران، ممنوع و جرم‌انگاری کند؛ چنین رویکردی با حق انتخاب مکان اعتراض که ادامه حق تجمع موضوع ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، مغایرت دارد و خیابان را، به‌عنوان محلی ممتاز برای اعمال آزادی بیان عمومی، از شمار گزینه‌های سیاسی شهروندان خط می‌زند (Inter-American Commission on Human Rights, 2019: 72).

یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیز، جمع میان دسترسی عمومی و خواست گروه اقلیت در یک خیابان است. برای مثال وقتی در شهری مسلمانان در اقلیت و در یکی از محله‌ها/خیابان‌های آن شهر اکثریت هستند، احتمالاً انتظار دارند قواعد دینی ناظر بر حرمت بعضی گرایش‌های جنسی در آن خیابان محترم باشد. در عین حال اقلیت‌های جنسی آن خیابان را جزئی از شهر تلقی می‌کنند و حاضر به عدم حضور در آن و به طریق اولی رعایت قواعد دین دیگر نیستند. برای جمع میان این دو آزادی متناقض، تنها راهکار، رسیدن به درک متقابل و رعایت «وظیفه احترام گذاشتن به عقیده دیگری» (United Cities and Local Governments Committee on Social Inclusion, 2011: VII) از طریق جریان آزاد اطلاعات و گفت‌وگوهای عمومی جهت حفظ تنوع در شهر است.

از بین مؤلفه‌های خیابان خوب، نفوذپذیری و خوانایی، بیش‌تر با آزادی ارتباط دارند؛ نفوذپذیری جلوه‌ای از رعایت آزادی، به‌ویژه آزادی آمدوشد در شهر است و خوانایی آزادی اندیشه را متعین می‌کند، به‌نحوی که از رهگذر این دو مؤلفه، امکانات شهری مشارکت عمومی در ذهن شهروندان طبقه‌بندی شود؛ منتها در فرضی که هر دو معطوف به رعایت آزادی دیگری باشند.

### ۳.۴. تضمین همبستگی

همبستگی به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز افراد با اوصاف متنوع در کنار یکدیگر است. پذیرش صلح‌آمیز دیگری، در خیابان جلوه‌گر می‌شود. در خیابان افراد به دو دسته مشاهده‌کنندگان و مشاهده‌شوندگان تقسیم می‌شوند؛ منتها در آن واحد هر انسان هم مشاهده‌کننده است و هم مشاهده‌شونده (حاتمی و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۷: ۸۴). برای مثال فردی که در چمن‌ها دراز کشیده و خستگی از تن درمی‌کند، توسط عابران مشاهده‌پذیر و در عین حال که مشاهده‌گر آنهاست. این وضعیت را می‌توان به نقطه‌عزیمتی برای بازتعریف مفهوم همبستگی تبدیل کرد: همبستگی به معنای تحمل‌پذیری در وضعیت مشاهده‌گری و مشاهده‌پذیری به‌طور هم‌زمان است. آنچه این تعادل را برهم می‌زند و خیابان را غیر صلح‌آمیز می‌سازد، نپذیرفتن دیگری در موضع مشاهده‌گر و تمایل نداشتن به مشاهده‌پذیری خود از موضع برتر است. دروازه داشتن بعضی کوچه‌های مرفه‌نشین را می‌توان به‌گریز از مشاهده‌پذیری و تلاش برای جمع‌آوری متکدیان (به‌جای مبارزه با فقر) را می‌توان به فرار از مشاهده‌گری نسبت داد.

شهرها در درازای زمان و بسته به اقتضات جغرافیایی محل و فرهنگ بومی ساکنان خود شکل می‌گیرند. تنوع و تکثر ذاتی شهر و ویژگی است که از ارسطو تا تعریف‌های امروزی از شهر مورد توجه قرار داشته است (کوبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱). یکی دیگر از عواملی که با اصل همبستگی در تعارض است، تسری الگوی تحول و توسعه شهرهای مرکز، به‌ویژه پایتخت، به سایر شهرها است که به‌تبع در خیابان‌ها هم متجلی می‌شود. یکی از راه‌های تضمین اصل همبستگی در طرح‌های توسعه‌ای، مشارکتی ساختن فرایند تدوین طرح‌هاست (کامیار، ۱۴۰۲: ۲۲). در این خصوص ماده ۹۷ قانون شهرداری ۱۳۳۴ شایان توجه است که برای رعایت اصول شهرسازی و بررسی و تصویب نقشه‌های مربوط به شهرسازی، شورای عالی شهرسازی را تشکیل داده که اکنون با نام شورای عالی شهرسازی و معماری ایران فعالیت می‌کند. نحوه مداخله این نهاد می‌تواند مصداق تسری الگوی مرکز به سایر نقاط باشد. این شورا در مورد احداث و توسعه خیابان‌ها نیز دارای صلاحیت است؛ برای نمونه مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص بررسی و تعیین تکلیف پروژه خیابان انصاری شرقی قزوین (مصوب ۱۳۹۴) قابل اشاره است.

با این وصف از میان ویژگی‌های چهارگانه، تنوع کالبدی و عملکردی با اصل همبستگی مرتبط است و به این ترتیب تکمیل می‌شود که حرمت تنوع طبیعی خیابان و شهروندان نگاه داشته شود و ویژگی‌ها و اوصاف متنوع انسان‌ها در کالبد و کارکرد آن دیده و تحمل شود.

## ۵. نتیجه

خیابان به‌عنوان یکی از اجزای سازنده شهر، قابلیت تبدیل شدن به ابزاری در خدمت مشارکت در سپهر عمومی را دارد. علوم شهری، از منظر خود و البته با توجه به کارکردهای انسانی خیابان، چهار ویژگی را برای خوب تلقی شدن یک خیابان برمی‌شمرند: خوانایی، نفوذپذیری، امنیت و تنوع کالبدی و عملکردی. این ویژگی‌ها اگر با لحاظ بایسته‌های مشارکت عمومی، شاخص‌سازی شوند، زمینه اصلاح، ایجاد و اجرای قواعد حقوقی از طریق خیابان و به تعبیر دیگر تأثیرپذیری حقوق از خیابان به هدف نهایی ساختن سیاست اصیل را فراهم می‌کنند. منتها رعایت این ویژگی‌ها به‌خودی‌خود به حقوق بشری شدن خیابان منجر نمی‌شود. در صورتی خیابان وفق اصول آزادی، برابری و همبستگی است که تا جایی امنیت در آن برقرار شود که مخل برابری و به‌ویژه آزادی نباشد؛ تا جایی خیابان نفوذپذیر و خوانا باشد که حرمت آزادی دیگری حفظ شود و تنوع کالبدی و کارکردی آن طبیعی و غیرتحمیلی باشد. بنابراین فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به این ترتیب خیابان از منظر آرمان حقوقی چنین است: ممری شهری که در جذب شهروندان به خود موفق است، شهروندان برابانه به آن دسترسی در آن مشارکت مسالمت‌آمیز دارند و آزادانه از طریق آن اراده معطوف به سیاست خود را ابراز می‌کنند. همچنین با الهام از حق شهر، حق خیابان به معنای امکان دسترسی برابانه و حضور مشارکت‌جویانه و صلح‌آمیز انسان‌ها در خیابان است. شاید به‌نظر برسد تحقق مشارکت همگانی، به‌عنوان عنصر پایه‌ای اداره دموکراتیک، در شهرهای پرجمعیت امروزی ناممکن است، ولی منطقه‌بندی و محله‌بندی، یعنی همان زیرساختی که حقوق اداری و حقوق شهری برای پیشبرد امور خود فراهم کرده‌اند، آن را ممکن می‌سازد و در نتیجه امکان انجام کنش سیاسی به یکی از کارکردهای متنوع خیابان افزوده می‌شود تا نظام حقوقی، در یک ساختار دموکراتیک، از خیابان متأثر شود و در فضای غیردموکراتیک از طریق خیابان منقلب شود.

## منابع

### ۱. فارسی

#### الف) کتاب‌ها

۱. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۳). *راهنمای طراحی فضاهای شهری*. چ نخست، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۲. کامیار، غلامرضا (۱۴۰۲). *شهر و حقوق شهروندی*. چ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

#### ب) مقالات

۳. استادغفاری، صدف (۱۳۹۴). بازآفرینی شهری خوانایی-محور، رویکردی به تجدید حیات شکلی و محتوایی

- ساخت اصلی. فصلنامه مطالعات شهری، (۱۷)، ۵، ۲۹-۴۰.
۴. اشرفی، یوسف؛ پوراحمد، احمد؛ رهنمایی، محمدتقی؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی و گونه‌شناسی فضای عمومی شهری معاصر، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی، (۴) ۲، ۴۳۵-۴۶۴.  
10.22059/jurbangeo.2014.53590
۵. جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره؛ عبدلی، افسانه (۱۳۹۶). زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه ماکسین گرین و اشارات تربیتی آن. رویکردهای نوین آموزشی، (۲) ۱۲، ۲۱-۴۵.  
10.22108/nea.2018.95681.0
۶. چرخچیان، مریم (۱۳۹۶). زندگی روزانه در خیابان. منظر، (۳۹) ۹، ۶۰-۷۱.
۷. حاتمی، یاسر و کیانوش ذاکر حقیقی (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در انتخاب فضای عمومی توسط شهروندان (مطالعه موردی: پیاده‌راه بوعلی سینا و اکباتان شهر همدان). مطالعات محیطی هفت حصار، (۲۳) ۶، ۸۱-۹۴.
۸. حبیبی، سیدمحسن؛ امیری، مریم (۱۳۹۴). حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه که هست و آنچه که باید باشد، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، (۲) ۵، ۹-۳۰.  
10.22059/ijar.2015.59014
۹. رحمتی فر، سمانه (۱۳۹۹). حقوق‌سازی نظریه سپهر عمومی و خصوصی با ارجاع ویژه به "هانا آرنه"، پژوهش سیاست نظری، (۲۸) ۱۵، ۲۲۱-۲۴۳.
۱۰. زارع اندریان، قدرت؛ ذبیحی، حسین؛ کاردار، سعید (۱۴۰۲). تبیین ارتباط «حقوق شهروندی» و «حقوق معماری و شهرسازی» با تأکید بر «نظریه حق به شهر». نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، (۶۹) ۲۳، ۱۷۸-۱۵۵.  
jgs.23.69.155/0.61186
۱۱. سینافر، عطیه؛ پرتوی پروین؛ شکوهی، مهشید (۱۳۹۴). بررسی نقش نفوذپذیری در ارتقاء کیفیت محیط محله (مطالعه موردی: محله نارمک تهران)، هویت شهر، (۲۱) ۹، ۹۱-۱۰۰.
۱۲. قلمبردزفولی، مریم؛ نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). طراحی فضای شهری به‌منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین‌محله‌ای). هویت شهر، (۱۷) ۸، ۱۵-۲۴.
۱۳. کاظمیان، غلامرضا؛ معصومی فر، امیرحسین (۱۳۹۸). تحلیل محتوایی و رویه‌ای حق بر شهر در قوانین شهری و شهروندی ایران. صفا، (۳) ۲۹، ۸۳-۱۰۰.  
10.29252/soffeh.29.3.83
۱۴. کامیارراد، ساناز؛ هداوند مهدی؛ کامیارراد، صفرعلی (۱۴۰۰). حق بر شهر. پژوهش حقوق عمومی، (۲۲) ۷۰، ۲۸۲-۲۵۰.  
<https://doi.org/10.22054/qjpl.2020.43300.2175>
۱۵. کویکی، لیلا؛ ایزدی خرامه، حسن؛ عبدالهی، رحمت‌اله؛ سلیمانی، رقیه (۱۳۹۱). حیات جمعی در فضای عمومی سبز راه، نگرشی بر تنوع فرهنگی اجتماعی استفاده از فضا؛ مطالعه موردی پارک خطی باغ بلند شیراز. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، (۱۱) ۳، ۹۷-۱۱۴.
۱۶. گلچین، مسعود؛ مفاخری صباح‌الدین (۱۳۹۶). خوانایی محیطی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، (۲۲) ۷، ۲۳-۴۶.

### ج) اسناد

۱۷. معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران (۱۳۹۹). ابلاغیه شورای فنی شهرداری تهران در خصوص مناسب سازی معابر شهر تهران ( پیاده‌رو و پیاده‌راه‌ها)، ش. ۰۷۰/۶۴۶۶۳۴، ۱۳۹۹/۷/۵.

### ۲. انگلیسی

#### A) Book

1. Arendt, H. (1998). *Human condition*. 2nd Ed, Chicago: University of Chicago Press.

#### B) Articles

2. Appleyard, B., & Riggs, W. (2021). Human rights to the street. *Journal of Transport and Land Use Stable*, 14 (1).
3. Oomen, B., & Baumgärtel, M. (2018). Frontier Cities: The Rise of Local Authorities as an Opportunity for International Human Rights Law. *The European Journal of International Law*, 29 (2).

#### C) Documents

4. Human Rights Committee, (2020). General comment No. 37 on the right of peaceful assembly, CCPR/C/GC/37.
5. Inter-American Commission on Human Rights, (2019). Protest and Human Rights Standards on the rights involved in social protest and the obligations to guide the response of the State, OEA/Ser.L/V/II.
6. Montréal city council, (2005). Montréal Charter of Rights and Responsibilities, 05-056.
7. United Cities and Local Governments Committee on Social Inclusion (2011). Participatory Democracy and Human Rights, Global Charter-Agenda for Human Rights in the City.
8. UNOHCHR (UN Office of the High Commissioner for Human Rights) (2018). Guidelines for States on the effective implementation of the right to participate in public affairs.